چند كلمه درباره ازدواج دائم

27 شهريور 1393

سلام برادرم

بنده كوچك‌تر از آنم كه بتوانم حرف درخور و شايسته‌اي بر زبان آورم

چيزي كه راه زندگي شما را ترسيم كند

قطعاً چنين توان و منزلتي ندارم

و بر اين حقيقت در همين ابتداي كلام اقرار مي‌نمايم

نه بهره‌اي از علم غيب الهي دارم

كه بتوانم پشت پرده عوالم وجود را ببينم

و درباره درستي يا نادرستي

يا حق و باطل بودن رفتار ديگران نظر دهم

مانند آن‌چه مردان حق عمل مي‌كنند

و سالكان و رهروان را ياري مي‌رسانند

و نه دانشي دانشگاهي

روانشناسي و جامعه‌شناسي

كه قدرت قضاوت و پيشنهاد درباره موضوع مذكور را بدهد

تواني كه در مشاورين خانواده جمع شده است معمولاً

اما؛

از آن رو كه خود «در چاه‌اوفتاده»ام

و درد آن را حس مي‌كنم

و جاي اين چاه را ياد گرفته

نقطه سقوط آن را

شيب پرتگاه آن را

دقيقاً جايي كه معمولاً در آن مي‌افتند را تجربه كرده‌ام

با تمام وجود حس

و با تمام روح و جسمم رنجش را چشيده‌ام

​از اين منظر با شما سخن مي‌گويم

باشد كه شايد

شايد از باب عنايات حق تعالي

و لطف او

چيزي در اين كلام ضعيف جاري شود

كه ياري نمايد و كار گشايد

ازدواج موقت خيلي خوب است

ارتباط ميان دو آدم است

دو آدم از نظر روحي و جسمي مرتبط مي‌شوند

و البته گاهي مي‌توانند

و گاهي هم نمي‌توانند با روحيات هم بسازند

سازش در ميان اين دو كاملاً تابع خلق و خوي طرفين است

دو طرفي

كه عقد ميان‌شان جاري شده است

اين مقدمه اول

و مقدمه دوم

جلوي ضرر بزرگ را مي‌شود با ضرر كوچك گرفت؟

بله مي‌شود

جايي خوانده بودم روايتي قديم‌ها

ابوحنيفه ظاهراً بود كه از حضرت امام صادق (ع) سؤالي مي‌پرسد

در چيستي عقل

حضرت سؤال را به خود وي باز مي‌گردانند انگار

او مي‌گويد: ابزار تشخيص خير از شر

حضرت مي‌فرمايد: اين را كه بهائم نيز مي‌توانند

تمام حيوانات

غذاي‌شان دهي با تو راه مي‌آيند

بزني‌شان بر تو يورش آورند

تشخيص خير از شر كه در حدّ فهم و شعور تمام جانداران است!

فرق انسان چيست كه عاقل است؟

گويا ابوحنيفه در گِل مي‌ماند

و حضرت در پاسخ مي‌فرمايد:

عقل آن است كه ميان دو خير، بهتر را تشخيص دهد

و ميان دو شر، آن‌كه شرّ كمتر دارد

ورود به بحث

ازدواج دائم با موقت فرق دارد

اصلاً ماهوي فرق دارد

خيلي فرق دارد اصلاً

يعني تو بگو از زمين تا آسمان

تا آسمان؟

نه بابا، برو بالاتر

ماهيت كه مي‌دانيد چيست؟!

اختلاف ماهوي دارند اساسي

انگار اين جوهر باشد و آن عرض

اين ممكن باشد و آن واجب

يك فرق‌هايي كه به نظر نمي‌رسد در بادئ امر

و حيف

صد حيف

و هزاران

كه اين چيزها را به ما نگفتند

و ما اين چيزها را نمي‌دانستيم

اين تفاوت عجيب را

اما فرق؛

هر چقدر ازدواج موقت​ ميان دو فرد است

طرفين عقد موقت

ازدواج دائم ميان دو خانواده است

اصلاً ميان دو خاندان

دو جامعه انگار با هم پيوند مي‌خورند

اتصالي شگرف ميان دو فرهنگ

دو پاره از اجتماعي كه در آن زندگي مي‌كنيم

عجيب است اين مسأله

ازدواج دائم، دو قبيله را پيوند مي‌زند

يادتان هست

در تاريخ هم اگر نخوانده باشيم

در اين فيلم‌هاي تاريخي زياد ديده‌ايم

جنگ دو قبيله چطور پايان مي‌يافت؟

آن يكي دختر مي‌داد به اين يكي

فرانسه بود كه قرار بود با انگليس وحدت ايجاد كند

شاهزاده‌اي آمد كه با اليزابت ازدواج نمايد

همان شاهدختي كه بعدها نخستين زن‌شاه انگليس شد

مثلاً ملكه

البته آن ازدواج سر نگرفت

اليزابت آنقدر كك‌ومك در صورت داشت

به رسم ساير دختران سفيدروي بريتانيايي...

آري برادرم

ازدواج دائم چنين شأني دارد

من امروز كه اين سطور را مي‌نويسم زن ندارم

شايد خيلي احمقانه به نظر مي‌رسد

گاهي كه جايي مي‌پرسند: عيال؟

و در پاسخ مي‌گويم:

سه بچه دارم، ولي زن نه!

احتمالاً كلي پشت سرم مي‌خندند

و شايد به حالم گريه كنند

نمي‌دانم

من مكلّف به پيش‌رويم نه پشت سر

آن را خدا بر عهده دارد

ازدواج دائم، في‌مابين دو خانواده است

اگر خانواده‌اي داري كه محتاطند

خلق و خوي ويژه دارند

يا بايد به اخلاق‌شان تن دهي

و زني كه با اخلاق‌شان بسازد

يا اگر از خلق و خوي‌شان در رنجي

و زني با چنين ويژگي‌ها نمي‌خواهي

دو راه بيشتر پيش رويت نيست؛

ازدواج كني با آن‌كه مي‌پسندي

يك عمر

مي‌گويم يك عمر يعني «يك عمر»

شكاف ميان دو خاندان را بپذيري

شكاف كه چه عرض كنم

دو گسل در كنار هم

همان‌كه در علم زمين‌شناسي مي‌گويند

از فشارشان به هم

و در رفتن دندانه‌هاي تحت فشار

همان زلزله معروف رخ مي‌نمايد

و چه بسا گاهي آتشفشان

و تو كجايي؟

تو دقيقاً در همان محل اتصال دو گسل

جايي كه از دو طرف فشرده مي‌شوي

با دندانه‌هاي سخت و محكم و شايد هم مذابّ

اين انتخاب اول

تا دنيا دنياست و تا دو خانواده پابرجا هستند

تو يك وصله ناجوري

كه دو طيف متضاد را با هم جمع كرده‌اي

در حاشيه دو گسل

اما انتخاب دوم، رنج دروني‌ست و سازش

به وسط گسل بيايي

در محيطي امن و آسوده چادر بزني

پيرامون تو سراسر سكوت باشد

و هر درگيري كه رخ نمود

دو خانواده با هم حل نمايند

زيرا تو بر خواسته‌هايت پاي نفشرده‌اي

و بر يك خُلق و خو باقي ماندي

همان خُلقي كه يك عمر تحمل كردي

اگر چه دوست نداشتي

اما به اين تحمل «عادت» داري!

چنين گسلي اگر چه ممكن است در جاهايي داغ باشد

ولي پاهاي تو

به تمام داغي آن عادت دارند

و نقاط كمتر گرم را مي‌شناسند

اگر زن تو چون مادرت باشد

يا چون ساير زنان خويش و قومت

در فرهنگ و اخلاق و رفتار فردي و اجتماعي

درست است كه نمي‌پسندي

ولي بلدي چطور از چاله‌هايش بپري

تا گرفتار چاهش نشوي

و شكافي بين دو خانواده‌ها نخواهد بود

كه تو

بله تو

مجبور باشي آن را پر كني

با تمام گوشت و پوست و استخوان خود!

خداوند انسان را مختار آفريده است

و به او عقل عطا كرده

كه بين بد و بدتر برگزيند

اين دنيا خوب ندارد

خوب‌ها را براي آخرت سوا كرده‌اند

عين همين ميوه‌هايي كه خوشمزه‌هايش را صادر مي‌كنند!

اگر دختري ديدي كه به اين سادگي پشت پدر و مادرش پناه گرفت

ياد بگير كه پشت پدر و مادرت پناه بگيري

اگر او نمي‌تواند رنج چشم‌هاي تيز و درنده و شماتتگر خانواده‌اش را تحمّل كند

تو نيز نكن

تو چرا بايد اين رنج را بكشي؟

اين منطق تعامل و ارتباط اجتماعي‌ست

كه يك قدم پيش

و انتظار يك قدم از طرف مقابل

اگر چه مي‌دانم شما مرد هستي

و مردان بر عهد خود استوارند معمولاً

و نمي‌پذيرند كه رنجي بر زوجه‌شان نشيند

و همه را چون كوه بر پشت مي‌كشند

كه بودم

و كشيدم

و صد البته پشيمان نيستم و خداي را نيز شاكرم به اين منّت

اما

قاعده تعامل و ارتباط «پايدار» اين است

شما يك قدم كوتاه بيايي

طرف مقابل هم بيايد

اگر پدر و مادرتان را قانع كنيد كه يك قدم از خواسته‌هايشان پايين بيايند

و زوجه نيز خانواده خود را قانع نمايد

بر اين تعامل مي‌توان اميد بست

اما اگر نشد

خداوند اختيار شما را سلب نكرده است

و اختيار ديگران را نيز به شما نسپرده است

پدر و مادر شما مختارند

شما هم مختار

البته تكليف فوق طاقت هم ندارد

مي‌توانيد همه چيز را به گردن خانواده بياندازيد و رها كنيد

آن پدري كه اين‌قدر سخن‌ور است كه مي‌تواند به «تعهد محضريِ تبديل 114 به 14 عنداللزوم» تمسك كند

بلد است دختر عقدبسته خود را شوهر بدهد

نگران نباشيد

اما اگر قرص قرمز را برداريد

كاري كه نئو در ماتريكس يك كرد

افتخار بزرگي براي شماست

اين‌كه آماده هستيد براي سال‌هاي سال

فشار دو گسل را تحمّل كنيد

تبريك دارد اين انتخاب

و شايسته كف زدن حضّار و نُظّار

اما آماده باشيد

براي يك زندگي راحت در زير يك چتر آرامش‌بخش، كلاهي ندوزيد

حتي فرزندان شما نيز از طعنه‌هاي دو خانواده

و رنجش‌هاي آتي

آسوده و مصون نخواهند بود

موفق باشيد

سيدمهدي موسوي موشَّح